

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شیرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

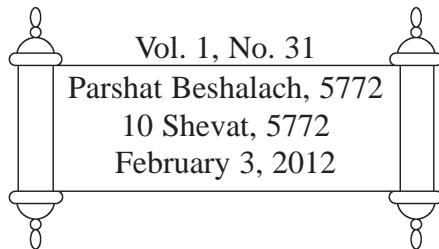
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, February 3, Light Shabbat Candles, by 5:06 p.m

Saturday, February 4, Shabbat ends at 6:11 p.m.

(Times are for Los Angeles)

THIS ISSUE IS PRINTED IN HONOR OF
Raphael ben Simcha Sarah שיחיי
for a Refuah Shelaima

To dedicate an issue call (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard. Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358 * Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.com> * e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzel Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive. Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org> * e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

بְּשַׁלַּח

پاراشای این هفته از باز شدن آب های دریای سرخ سخن می گوید. آب هایی که بوسیله بادهای قوی که خداوند ایجاد کرده بود به کنار رفتند. زمانی که بادهای متوقف می شدند و آبها بر روی مصری ها فرود آمد در تورا می خوانیم که «دریا به قدرت خودش برگشت» چرا در تورا این جمله که ظاهراً اضافه به نظر می آید، آورده شده است؟ میدراش در ساختمان این جمله اشاره ای به کلمه "شرط" پیدا می کند در زبان عبری کلمات «قدرت و شرط یا (شرط)» دارای یک حروف هستند. و عنوان می کند که خداوند در زمان آفرینش دریای سرخ این شرط را با آن گذاشت که در زمان خروج بنی اسرائیل از آن باید باز بشود. این مبحث این موضوع را عمیقاً مورد بررسی قرار میدهد و بطور کلی نقشی را که طبیعت و نیروهای طبیعی در طرح خداوند برای این دنیا بازی می کنند را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد.

۱- باز شدن دریای سرخ

"ومشه دستش را بر روی دریا دراز کرد و در نزدیکی های صبح دریا به قدرت اولیه خودش برگشت و مصری ها از جلوی آن فرار میکردند و خداوند مصری ها را در میان دریا غرق کرد".^۱ میدراش^۲ در این مورد می گوید که خداوند در زمان خلقت دریای سرخ با آن این شرط را گذاشت که زمانی که بیسرائل ها از آن عبور می کنند می بایست از هم باز بشود. که معنای این جمله آن است که "دریا به قدرت خودش برگشت" به عبارت دیگر "دریای سرخ این شرط را که من در ابتدای خلقت آن در آن گذاشتم را انجام داد". و این نوعی برداشت از کلمات شرط و قدرت است که در زمان عبری دارای حروف مشابهی هستند.^۳ و اما درک این میدراش بنظر کمی مشکل می آید. برای آنکه تورا صریحاً اشاره به برگشت دریا به قدرتش می کند و آب هایش که بر روی مصری ها ریخته می شود و نه انجام این شرط که می بایست از هم باز بشود؟

بعضی مفسرین اینگونه جواب میدهند^۴ که در تلمود^۵ آمده است که ربی پینحاس بن یائیر به رودخانه گینای دستور میدهد که آب هایش را باز کند و وقتی که رودخانه امر او را انجام

۱-شموت ۲۷-۱۴ ۲-برشیت ربا ۵-۵ شموت ربا ۶-۲۱ زوهر بخش ۲-۱۹۸ ب ۳-ل' ای تانو -ل' ت ناو-

رجوع شود به بعل هنوریم شموت ۲۷-۱۴ ۴-میدی مشه تفسیری بر برشیت ربا ۵-خولین ۷ الف

نمیدهد او می گوید که اگر این کار را نکنی من فرمان میدهم که هرگز آبی در تو جریان نیابد. (موجودیت ترا به عنوان یک رودخانه از بین می برم) اگر چنین موردی درباره دریای سرخ هم صادق باشد بنابراین برگشت آن به قدرتش به معنای انجام شرطی است که خداوند در هنگام خلقت آن با آن بسته است.

اما این جواب نیز به تنهایی کامل نیست.

اولاً: این جواب به ما می گوید که اگر دریای سرخ از هم باز نمیشد آن نه فقط به قدرتش باز نمی گشت بلکه هیچگونه آبی هم در آن جریان پیدا نمی کرد. (موجودیت آن به عنوان یک دریا از بین میرفت). در حالی که تورا به ما می گوید که فقط برگشت دریا به قدرت کامل خود بستگی به انجام شرط دارد و نه تداوم موجودیت آن به عنوان دریا.

ثانیاً به هر حال میدراش سعی دارد که کلمات قدرت و شرط را با هم وصل کند اما توضیحی که داده میشود این است که قدرت دریا را فقط نتیجه انجام شرطی کرده است که قبلاً آن شرط انجام شده است و آنرا به خود شرط وصل نکرده است.

۲- شروط قبل از خلقت

مگید مزریچ در این مورد توضیحی را از زبان بعل شمطو شنیده است که این توضیح اولین مشکل ما را^۶ حل می کند. او میگوید که در زمان خلقت جهان تمامی پدیده های طبیعت به این شرط آفریده شدند که می بایست خواسته های شخص صدیق را اطاعت کنند حتی اگر این خواسته ها خلاف قوانین فیزیکی معمول آنها باشد.^۷ به این ترتیب که چنانچه این شرط را انجام ندهند نه فقط موجودیت آنها متوقف می شود و دیگر وجود نخواهند داشت بلکه اینگونه خواهد شد که انگار آنها هرگز بوجود نیامده و خلق نشده اند. به عبارت دیگر اگر دریای سرخ از هم باز نمیشد نه فقط دیگر آبی در آن جریان پیدا نمی کرد بلکه تمامی موجودیت قبلی اش نیز محو و ناپدید میشد. بنابراین زمانی که تورا به ما می گوید که دریا به قدرت اولیه اش برگشت در واقع به ما این مفهوم را میرساند که دریا با انجام شرطش با خداوند هم موجودیت آینده اش را تامین کرده و هم موجودیت گذشته اش را تثبیت کرد.

درک این مطلب برای ما ممکن است مشکل بنظر آید. برای آنکه با وجود اینکه ما می توانیم

که می خواهد آنرا خلق کند؟ مگر نه اینکه قدرتش بر مخلوقاتش بی نهایت است و می تواند هر زمان که بخواهد حتی بدون رضایت آن، آنرا از هم جدا کند؟

توضیح راشی که می گوید "جهان بخاطر بیسرائل ها و تورا آفریده شده"^{۱۳} تنها به معنای آن نیست که جهان وجود دارد بخاطر آنکه بیسرائل ها خواسته خداوند را در جهان انجام بدهند. بلکه بیشتر از آن، و آن اینکه بوسیله انجام خواسته خداوند بوسیله بیسرائل ها خود جهان نیز مقدس شده و به محل سکونت برای خداوند تبدیل میشود و به این ترتیب به هدف اصلی آفرینش خودش میرسد.

بنابراین خداوند با قرار دادن این شرط در زمان آفرینش جهان که آنها می بایست طبیعت شان را زمانی که لازم شد برای بیسرائل ها عوض کنند امکان انجام چنین عمل معجزه آسایی را در ساختمان و بنیان اولیه آنها قرار داد. بنابراین زمانی که چنین عمل معجزه آسایی انجام می شود. این عمل توفیقی در انجام هدف معمول آنها تلقی نمی شود بلکه جزئی از ادامه آن و انجام آن هدف است.

و در واقع این عمل موجودیت آنها را کاملاً به طریق متفاوتی تعریف می کند. آنها به پدیده هایی تبدیل می شوند که نه فقط برای مدتی وجود داشته و بعد از بین میروند بلکه سرنوشت آنها (بوسیله طریق و نوع آفرینش شان) به سرنوشت قوم بیسرائل گره می خورد. و بیسرائل به معنای عمیق آن ابدیست و "کار دست من و شاخه ای است که من کاشته ام".^{۱۴} این عمل پدیده های مادی را به چیزی بیش از وسائلی برای پیشرفت قوم بیسرائل تبدیل می کند (در این حالت آنها تنها محدود به قوانین طبیعی خود می باشند) ولی به این ترتیب حتی در زمانی که آنها بیشتر تجسم مادی خواسته خداوند می باشند این عمل طبیعت آنها را تغییر میدهد.

به همین علت است که میدراش انجام شرط را بیشتر از آنکه به باز شدن دریا مربوط کند به برگشت آن به قدرت اولیه اش مربوط می کند. بخاطر آنکه درست است که دریا باز شد و زمین خشک را آشکار کرد ولی هنوز ابدی شدن و به اثبات رساندن موجودیت خود را عملی نکرده بود (باز شدن آن می توانست فقط به عنوان نفی و تغییری در طبیعت آن تلقی بشود) تثبیت موجودیت و ابدی شدن آن زمانی صورت گرفت که آنهاش با "تمامی قدرت" خود بازگشت کردند و نه آنگونه که قبلاً بودند. دیگر آنها آب های ساده دریا نبودند بلکه به وسائلی تبدیل شده بودند که خواسته خداوند را برای قوم بیسرائل انجام میدادند.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد ششم ص ۸۶ الی ۹۴)

آن کم کرده بود که معجزه دیگری لازم بود که قدرتش را به آن بازگرداند؟

حالا ما می توانیم مابین دو نوع معجزه تفاوت قائل بشویم

الف: معجزه هایی که تمامی طبیعت پدیده ها را تغییر میدهد و به این ترتیب معجزه دیگری لازم است که آنرا به حالت اولیه خود بازگرداند (به عنوان مثال زمانی که خداوند در کوه سینای

دست مشه را به برص مبتلا کرد معجزه دومی انجام شد که آنرا به حالت اولیه اش برگرداند).^۹

ب: معجزه ای که فقط ظاهر و شکل پدیده ها را تغییر میدهد و طبیعت ذاتی آنها را عوض نمی کند بنابراین وقتی که معجزه متوقف میشود آن پدیده به وضعیت اولیه خودش برمیگردد (مانند

آب رودخانه ها که به خون تبدیل شدند. اولین ضربه از ده ضربه - که بعد بدون انجام معجزه دوباره به

آب تبدیل شدند. در اینجا آب ها طبیعتا تغییر نکرد و نه وقتی که یسرائیل ها از آن ها می نوشیدند هنوز آب بودند)^{۱۱}

به این ترتیب اگر ما بگوئیم که باز کردن دریای سرخ از نوع اول معجزات بوده است پس باید معجزه دیگری انجام میشد که آنرا به حالت اولیه اش برگرداند. و این مطلبی است که تورا با آوردن

کلمه دریا به "قدرتش" برگشت آنرا رد می کند پس بنابراین نتیجه می گیریم که دریا فقط از نظر خارجی تغییر پیدا کرد و نه از نظر ذاتی و درونی.

اما در واقع ما نمی توانیم این مطلب را عنوان کنیم برای آنکه تورا قبلا به ما گفته است که دریا فقط بخاطر قدرت بادهای در حالت باز شدن خود باقی مانده بود و "خداوند در تمامی آن شب

بوسیله باد قوی شرقی دریا را از هم باز کرد"^{۱۲}. که از این مطلب واضح و روشن است که اگر بادهای متوقف می شدند آب های دریا بخودی خود به جریان اولیه خود بازمی گشتند. پس چرا

توراه لازم میداند که دریا سوق بعدی تاکید کند که دریا به قدرت اولیه اش بازگشت؟

میدرانش در اینجا به ما می گوید که کلمات بظاهر اضافه "دریا به قدرتش برگشت" به این علت آمده است که دریا بوسیله انجام شرط خود با خداوند تمامی موجودیت قبلی اش را تثبیت کرد و

حتی اگر چه این شرط بیشتر بوسیله باز شدنش انجام شد تا بوسیله برگشت به حالت اولیه اش اما علامت اینکه این شرط انجام شده است. تنها زمانی اثبات شد که آب هایش به حالت اولیه

برگشتند.

۴- موجودیت موقتی و موجودیت ابدی

اما برآستی چه لزومی دارد که خداوند چنین شرطی را با دریا بگذارد و چرا بخصوص در زمانی

درک کنیم که نابود شدن و محو شدن چیزی در زمان حال و آینده چه معنایی میدهد ولی موجودیت گذشته آن چیز یک حقیقت خارجی است که نمی تواند متقابلا از بین برود؟ اندیشه ما نمی تواند بپذیرد که موجودیت گذشته یک پدیده از بین برود. این ناتوانی فکری ما بخاطر آن است که افکار ما به دو تعریف نادرست مادی از پدیده ها عادت کرده است و در چهار چوب آنها موضوعات را درک می کند. اولین تعریف نادرست آن است که ماده و پدیده های مادی دارای موجودیت مستقل به خود بوده و قائم به ذات خود می باشند و دومین تعریف نادرست آن است که ما هرگز نمی توانیم در زمان به عقب برگشته و گذشته را تغییر دهیم. هر دو این تعاریف از نظر یهودیت نادرست است.

در مورد اول باید بگوئیم که ماده و پدیده های مادی صرفا بخاطر آن وجود دارند که خداوند دائما آنها را می آفریند و اوست که می خواهد آنها وجود داشته باشند. و در مورد دوم باید بگوئیم که زمان یک مفهوم انسانی است و خداوند را همچون انسان محدود نمی کند. (در واقع پدیده ایست که خداوند آفریده است پس بنابراین آنرا کنترل کرده و محدود به مرز و حد آن نمی شود). به این ترتیب نتیجه می گیریم که اگر خداوند بخواهد چیزی را خلق کند و یا از بین ببرد او می تواند اینکار را متقابلا در تمامی موجودیت آن چیز چه در گذشته و چه در آینده انجام دهد. شبیه چنین موردی در قراردادهای مشروط وجود دارد که چنانچه شروط قرارداد انجام نشود نه فقط قرارداد بخودی خود ملغی می شود بلکه اینگونه تلقی می شود که اصلا قراردادی بوجود نیامده است.

۳- دو نوع معجزه

اما دومین مسئله هنوز باقی است و آن اینکه برگشت دریا به قدرت اولیه اش حاصل و نتیجه انجام شرطی بود که خداوند با دریا برقرار کرده بود و نه همچون انجام خود آن شرط (که میدرانش برگشت دریا را به قدرت اولیه اش همچون انجام خود آن شرط ذکر می کند).

برای حل این مسئله ما می بایست درک کنیم که چرا میدرانش لازم میداند که در مورد مطلب "برگشت دریا به قدرتش" توضیح بدهد. چه مشکل و مسئله ای در مورد آن وجود دارد؟

جواب این است که از آنجا که کلمات "دریا برگشت" کافی بنظر میرسد^۸ تورا با آوردن کلمه به ظاهر اضافه "به قدرتش" حتما نکته اضافه دیگری را می خواهد به ما بگوید و آیا اصولا

تردید در برگشت دریا به قدرتش وجود دارد؟ آیا باز شدن دریا برای عبور یسرائیل ها از قدرت